

## تأملاتی بر پیامدهای یک لایحه

شادی صدر

کارگزاران، ش ۵۰۳، ۸۷/۳/۶



**چکیده:** در یک نگاه کلی نویسندگان لایحه مجازات اسلامی سعی کرده‌اند بسیاری از خلأها و موارد مبهم قانون قبلی را که در رویه قضایی متوجه آن شده بودند حل کنند. اما این که تا چه حد در این کار موفق بوده‌اند را نمی‌توان با یک حکم کلی پاسخ داد. از سوی دیگر این لایحه ویژگی‌هایی دارد که آن را از قانون فعلی متمایز می‌سازد. برخی نقدهایی که به این لایحه وارد می‌باشد عبارتند از: ۱. فقهی تر شدن؛ به این خاطر که نویسندگان لایحه زبانی بسیار فقهی‌تر از قانون مجازات اسلامی برای متن خود در نظر گرفته و برخی از عناوین مجرمانه فقهی مانند مجازات ارتداد و سب‌النبی که در قانون حاضر موجود نیست را در آن گنجانده‌اند. ۲. اعمال سیاست زندان‌زدایی؛ چون که این مجازات از مجازات‌هایی که بر جسم انسان وارد می‌شود انسانی‌تر است. ۳. بی‌اعتنایی به خواست عمومی؛ زیرا مسایلی مثل سنگسار، نابرابری دبه زن و مرد، اعدام افراد زیر ۱۸ سال نیز در این لایحه آمده است.

مجلس هفتم فهرست بلندبالایی از طرح‌ها و لوایح را برای مجلس هشتم به ارث گذاشته است که اولین کار مجلس جدید، تکلیف آنها را یک به یک تعیین کردن است و یکی از مهم‌ترین این لوایح، «لایحه مجازات اسلامی» است که در آبان ۸۶ پس از تدوین در قوه قضائیه، از سوی رئیس جمهور برای مجلس فرستاده شد. مجلس جدید تنها تا مرداد که مهلت قانون مجازات اسلامی آزمایشی به پایان می‌رسد وقت دارد به این لایحه مفصل رسیدگی کند. اما مسأله این است که درباره چنین لایحه مهمی که در صورت تصویب، بخش اعظمی از جرائم و مجازات‌های آنها را تعیین می‌کند، تاکنون بحث اجتماعی فراگیری راه

بازتاب انبیشه ۹۹

۵۲  
تأملاتی  
بر پیامدهای  
یک لایحه

نیفتاده است. در واقع جز یکی دو نشست بسته کوچک در دانشگاه‌ها، انتقاد دو سه حقوقدان و نقد فمینیستی برخی از مواد این لایحه از سوی گروه میدان زنان، نه رسانه‌ها چندان به مسأله پرداخته‌اند، نه حتی حقوقدان‌ها که نزدیک‌ترین قشر به مفاد لایحه هستند. مردم عادی که جای خود دارد؛ هنوز حتی نمی‌دانند تغییراتی که در این لایحه در مقایسه با قانون مجازات فعلی داده شده چه تاثیر احتمالی بر زندگی آنان خواهد گذاشت. در یک نگاه کلی، نویسندگان لایحه مجازات اسلامی سعی کرده‌اند بسیاری از خلأها و موارد مبهم قانون قبلی را که در رویه قضایی متوجه آن شده بودند، حل کنند، اما این که تا چه حد در این کار موفق بوده‌اند را نمی‌توان با یک حکم کلی پاسخ داد. از سوی دیگر، این لایحه ویژگی‌هایی دارد که آن را از قانون فعلی متمایز می‌سازد.

#### ۱. فقهی‌تر شدن:

هر چند قانون مجازات اسلامی فعلی نیز که جانشین لایحه حدود و قصاص شده است نیز یک قانون برگرفته از شریعت و تا حدود زیادی بر مبنای فتوای رهبر انقلاب اسلامی است، اما لایحه مورد بحث، به یک معنا از هر دو قبلی‌ها بیشتر مبتنی بر شریعت است. یکی از مهم‌ترین مثال‌ها برای این مدعا، اضافه کردن عناوین مجرمانه ارتداد، بدعت‌گذاری در دین، سب‌النبی، ادعای نبوت و سرورکار داشتن با سحر و جادو (به عنوان حرفه یا فرقه) است که لایحه جدید، آنها را به این عنوان که در شرع برای آنها مجازات مشخص (اعدام) تعیین شده، به فهرست حدود اضافه می‌کند. براساس این لایحه، «مسلمانی که اعلام کند از دین خارج شده»، «هر کس به پیامبر اسلام یا ائمه یا حضرت فاطمه دشنام دهد»، «هر کس ادعای نبوت کند»، «هر مسلمانی که بدعتی را در دین اختراع کرده و فرقه‌ای را براساس آن ایجاد کند»، «مسلمانی که با سحر و جادو سر و کار داشته و آن را در جامعه به عنوان حرفه یا فرقه‌ای ترویج نماید» اعدام خواهد شد.

نویسندگان لایحه، زبانی بسیار فقهی‌تر از قانون مجازات اسلامی برای متن خود در نظر گرفته‌اند؛ استفاده از مفاهیمی مثل «محقون‌الدم» و ذکر معادل‌های فقهی جرائم یا مفاهیم (بغی، لص، ممسک و...)، و نیز تقلید از نحوه نوشتاری رساله‌های علمای فقه، زبان لایحه را پیچیده و فهم آن را برای مردم عادی (که از نظر قانون اساسی، مخاطبان لایحه‌اند، باید آن را اجرا کنند و در صورت تخلف از مفاد آن مجازات خواهند شد) غیرممکن کرده است.

اشکالات انشایی، دستوری و مغلق‌نویسی لایحه به حدی است که گاهی حقوقدانان نیز در مورد مفهوم آن دچار تفاوت در برداشت یا مشکل می‌شوند. بدیهی است این ایرادات، قانون را مبهم و تفسیرپذیر کرده و در اجرا هر قاضی تفسیری متفاوت با دیگری درباره آن خواهد داشت.

## ۲. اعمال سیاست زندان‌زدایی:

زندان‌زدایی و کم کردن تعداد زندانیان تا جایی که امکان دارد، یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های رئیس قوه قضائیه بود که از سال اول تصدی این مقام، سعی در پیشبرد آن کرد و حالا، در سال آخر ریاست خود، با لایحه مجازات اسلامی، سعی کرده آن را اجرایی کند. صرف‌نظر از انتقاداتی که برخی از باسابقه‌ترین حقوقدانان بر زندان‌زدایی بدون توجه به جنبه بازدارنده بودن و نیز انسانی‌تر بودن مجازات‌های حبس نسبت به سایر جرائم وارد کرده‌اند، لایحه مجازات اسلامی برای خالی کردن هر چه بیشتر زندان‌ها، چه راه حل اساسی را درون خود پیش‌بینی کرده است.

الف) جایگزینی مجازات‌های حبس با مجازات‌های بدنی: لایحه برای برخی از جرائمی که قبلاً مجازات حبس داشته‌اند، مجازات‌های بدنی پیش‌بینی کرده است. مهم‌ترین مثال، که البته تنها مثال نیست، تبدیل مجازات معاونت در قتل از ۳ تا ۱۵ سال حبس به کور کردن و چشم (برای مراقب و دیده‌بان قتل عمد) و حبس از دو تا سه سال و شلاق تا ۷۴ ضربه برای موارد دیگر است. در بسیاری از موارد دیگر نیز مجازات حبس کاهش یافته و جای آن را مجازات شلاق گرفته است. به این ترتیب، بی‌آن‌که مانند حدود، اجباری شرعی در کار باشد، لایحه به رغم همه انتقادهای حقوق بشری وارد بر مجازات‌هایی که بر جسم انسان به طور مستقیم صدمه وارد می‌کند، تعداد و میزان آنها را بالا برده است؛ تنها به این دلیل که زندان‌ها را خلوت کند و مجرمین را زودتر، به آغوش اجتماع بازگرداند!

ب) حذف زندان برای بدهکاران: براساس قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۷۷)، در حال حاضر اگر کسی به هر دلیلی به پرداخت جزای نقدی محکوم شود یا بدهی به دیگری داشته باشد که آن را بپردازد، به ازای هر ۵۰۰۰ تومان جزای نقدی یک روز در زندان می‌ماند و اگر طلبکاری داشته باشد، تا روز پرداخت بدهی خود در زندان باقی خواهد ماند. موج تبلیغات دستگاه قضایی درباره زندانیان دیه و مهریه، در سال‌های اخیر،

این عقیده را در ذهن عموم جا انداخته که زندانی شدن فرد به علت بدهی، ناعادلانه است. لایحه مجازات اسلامی در ماده ۱۱۴-۸ خود قرار است این عقیده عمومی را که با سیاست زندان‌زدایی دستگاه قضایی هماهنگ بوده، تبدیل به قانون کند. براساس این ماده، فرد بدهکار، با مجرمی که به پرداخت جزای نقدی محکوم است، حتی اگر مالی داشته باشد، از دادن آن خودداری کند باز هم به زندان نخواهد افتاد. این وظیفه طلبکار است که خود بگردد و اموال بدهکاری را که چک برگشتی صادر کرده، قرض گرفته و پس نداده، به همسرش مهریه بدهکار است، کسی را زده یا کشته و دیه نداده، شخصاً پیدا کند و به دادگاه معرفی کند! نسخ مهم‌ترین مواد قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی موثر، اگر چه زندان‌ها را از زندانیان دیه و مهریه و چک و... خالی خواهد کرد، اما موجبات تضییع حقوق جماعت عظیمی از طلبکاران و مالباختگان را که تا حالا امیدوار بودند با اهرم حبس، به مال خود برسند فراهم می‌کند. از سوی دیگر، در سال‌های گذشته، بسیاری از زنان، از آن جای که از حق طلاق برخوردار نبودند، پس از این‌که از جلب موافقت شوهر خود برای طلاق ناامید می‌شدند، مهریه خود را مطالبه می‌کردند به امید این‌که پس از استنکاف همسرانشان از پرداخت یک‌جای مهریه، بتوانند آنها را با اهرم زندان، به طلاق راضی کنند. آمارهای رسمی حاکی از این است که ۸۵ درصد این زنان هیچ‌گاه مهریه‌ای دریافت نکرده‌اند و در واقع آن رازهایی خود از یک زندگی خشونت‌بار، معامله کرده‌اند. اما با تصویب لایحه، زنان که حق مطلق طلاق ندارند، از حق استفاده از مهریه به عنوان ابزاری برای طلاق نیز محروم خواهد شد.

ج) توبه: اگر چه قانون مجازات فعلی نیز در مواردی استثنایی، مقرراتی پیش‌بینی کرده که در صورت توبه مجرم مجازات از بین رفته یا تخفیف داده خواهد شد، اما لایحه مورد بحث، مبحثی جداگانه درباره «توبه مجرم قبل از دستگیری» دارد. براساس این مبحث، جز در موارد استثنایی، «در جرائمی که مجازات‌های آنها حق الناس نباشد، توبه مجرم و اصلاح و پشیمانی او قبل از دستگیری موجب توقف تعقیب و سقوط مجازات است» پیامد بلافصل این ماده، که راه بزرگی را برای فرار از مجازات باز می‌کند، کم شدن تعداد محکومان و طبیعتاً تعداد زندانیان است.

د) تعویق مجازات: نهاد تازه حقوقی که در این لایحه پیش‌بینی شده، «تعویق مجازات» است که به موجب آن قاضی می‌تواند در خلاف‌ها در صورتی که «تشخیص دهد مرتکب از طریق معافیت از کیفر اصلاح می‌شود و زیان وارده را جبران نموده یا ترتیب جبران آن را

بدهد» (ماده ۱۵۲-۱) می‌تواند صدور حکم مجازات را به مدت یک سال عقب بیندازد و در پایان سال تصمیم بگیرد مجرم را مجازات کند یا کلاً از مجازات معاف کند. (ماده ۱۵۲-۶) این نهاد نیز قطعاً از تعداد زندانیان خواهد کاست.

### ۳. بی‌اعتنایی به خواست عمومی:

به جرأت می‌توان گفت که لایحه مجازات اسلامی کاملاً نسبت به مطالبات یا انتقادهای مردمی که در طول سالیان گذشته نسبت به بخشی از موارد قانون مجازات اسلامی وارد شده، بی‌اعتنا بوده است و به جز اصلاحاتی اندک در برخی از موارد، یا باز کردن روزه‌هایی باریک، تغییری مطابق با خواست بیان شده از سوی گروه‌های که مطالبات جامعه، یا بخش‌هایی از آن را نمایندگی می‌کنند (منظور، فعالان جنبش‌های اجتماعی، رسانه‌های مستقل، سازمان‌های غیردولتی، تشکل‌های صنفی و...)، نسبت به قانون مجازات اسلامی فعلی نداده است.

الف) سنگسار: لایحه مجازات اسلامی، مجدداً، بی‌اعتنا به خواست یاد شده و نیز بدون توجه به استدلال‌های پاره‌ای از علمای دینی برای عدم اجرای این حکم در شرایط فعلی، برای زنانی محصنه (رابطه جنسی خارج از ازدواج مرد یا زن شوهردار)، مجازات رجم را پیش‌بینی کرده و براساس آن، زن را تا نزدیک سینه و مرد را تا نزدیک کمر «درون گودال دفن می‌کنند» و بعد با سنگ‌هایی که نه آنقدر بزرگ باشد که با خوردن یک یا دو عدد فرد بمیرد و نه آنقدر کوچک که «نام سنگ بر آن صدق نکنند»، او را سنگسار می‌کنند. (ماده ۱۶-۲۲۱).

تنها تفاوت لایحه نسبت به قانون مجازات فعلی در این مورد، این است که پیش‌بینی کرده «هرگاه اجرای حد رجم مفسده داشته و باعث و هن نظام شود، با پیشنهاد دادستان مجری حکم و تایید رئیس قوه قضائیه در صورتی که موجب حد با بینه شرعی اثبات شده باشد، رجم تبدیل به قتل می‌شود و در غیر این صورت تبدیل به صد ضرب شلاق می‌شود.» (تبصره ۴ ماده ۵-۲۲۱) منظور از این ماده این است که اگر زنانی محصنه با اقرار یا شهادت شهود ثابت شده باشد و دادستان تشخیص دهد که اجرای سنگسار، باعث توهین به جمهوری اسلامی می‌شود، آن را با موافقت رئیس قوه قضائیه به اعدام تبدیل می‌کند و اگر با علم قاضی ثابت شده باشد، مجازات سنگسار به شلاق تبدیل خواهد شد. این تبصره و نیز تشریح شرایط احصان (ماده ۶-۲۲۱) و تصریح این که علم قاضی که براساس آن می‌خواهد حکم به وقوع زنا

بدهد باید علم حسی باشد، اگر چه در مجموع می‌تواند از تعداد رأی‌های سنگسار بکاهد، اما مسأله را به طور کلی حل نخواهد کرد.

ب) دیه: در سال‌های گذشته بخشی از فعالان جنبش زنان، بارها و بارها مسأله دیه نابرابر زن و مرد را مطرح کرده‌اند اما لایحه، با وجود صدور فتوایی شرعی که دیه زن و مرد را برابر می‌داند، همان مقررات قانون مجازات اسلامی را در این مورد تکرار کرده است.

ج) اعدام اطفال: مسأله اعدام افراد زیر ۱۸ سال، همواره یکی از اصلی‌ترین انتقادات فعالان حقوق بشر و حقوق کودک نسبت به نظام کیفری ایران بوده است. در چند سال اخیر این انتقادات بسیار جدی‌تر و پیرامون پرونده‌های متعدد اعدام نوجوانانی که در سنین زیر ۱۸ سال، در حین دعوا با همسالان خود مرتکب قتل شده‌اند و حالا، پس از رسیدن به ۱۸ سال، قرار است اعدام شوند، مطرح شده است. در نگاه اول به نظر می‌رسد لایحه مجازات اسلامی با به رسمیت شناختن این موضوع که تمامی افراد زیر ۱۸ سال، کودک به حساب می‌آیند، آنها را از داشتن مسؤلیت کیفری و به تبع آن از مجازات، معاف کرده است، اما خواندن دقیق مفاد مواد ۱۴۱، ما را به این نتیجه می‌رساند که در، تقریباً همچنان به همان پاشنه سابق خواهد چرخید؛ یعنی دختر بالای ۹ سال تمام قمری (معادل ۸ سال و ۹ ماه شمسی) و پسر بالای ۱۵ سال قمری، بالغ به حساب می‌آیند، و اگر جرمی مرتکب شوند که مستوجب حد باشد، به همان مجازاتی محکوم می‌شوند که بزرگسالان (قصاص در مقابل قتل، قطع دست در مقابل سرقت مستوجب حد و...) تنها تفاوت لایحه مجازات اسلامی با قانون فعلی این است که براساس آن «هرگاه اطفال بالغ ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک کنند یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در قانون رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان محکوم خواهند شد» (ماده ۴-۱۴۱) بدیهی است اثبات چنین شرطی، مثل سایر شروط مشابه، بدون برخورداری از وکلایی مجرب و کارآزموده ممکن نیست. بنابراین باز هم نوجوانان فقیر، که در پرخشونت‌ترین و جرم‌خیزترین خانواده‌ها و مناطق زندگی می‌کنند، دعوا خواهند کرد، قتل خواهند کرد و بی‌آن‌که پولی برای استخدام وکیل داشته باشند، اعدام خواهند شد.

د) تجاوز (زنای به عنف): درباره تجاوز جنسی، لایحه مجازات اسلامی، بی‌آن‌که به آثار عملی اجرای آن و انتقادهای وارد بر آن توجهی کند، عیناً مقررات قانون مجازات اسلامی را تکرار کرده است. بر این اساس، مجازات تجاوز جنسی (زنای به عنف)، شدیدترین مجازات

ممکن، اعدام است. اما در صورتی که وقوع تجاوز با بینة شرعی (اقرار و چهار شاهد مرد یا سه مرد و دو زن) ثابت نشود، هیچ‌گونه مجازاتی در انتظار فرد متجاوز نخواهد بود. بایگانی را کد دادگستری‌ها، پر از پرونده‌های شکایت زنانی است که نتوانسته‌اند ثابت کنند به آنها تجاوز شده است. سیاه و سفید بودن مجازات زنای به عنف (اعدام یا تبرئه)، در عمل باعث شده جز در موارد تجاوزهای جمعی و سازمان یافته به زنان، موارد بسیار اندکی حکم به مجازات صادر شود. در حالی که اگر مجازات دیگری که آن قدر شدید نبود، برای این عمل پیش‌بینی می‌شد، شاید زنان تا این حد در برابر تجاوز بی‌دفاع، متجاوزان تا این حد مصون از مجازات نمی‌ماندند.

ها دفاع مشروع: مقررات مربوط به دفاع مشروع، به خصوص در پرونده‌هایی که زنان در برابر خطر تجاوز دست به قتل می‌زدند، بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است. پرونده‌های افسانه‌نوروزی، سمیه و نازنین فاتحی، برخی از مطرح‌ترین پرونده‌ها در این مورد بودند که در آن حکم قضات مبنی بر این‌که دفاع را با خطر متناسب ندانسته بودند، مورد چالش قرار گرفت. اما با این همه و با وجود این‌که حقوق‌دانان و فعالان اجتماعی بارها ناقص بودن این قوانین را در موارد دفاع مشروع زنان یادآور شده بودند، مقررات یاد شده، به خصوص در مورد «تناسب»، کم و بیش به همان صورت به جای خود باقی است.

## ● اشاره

محسن علیزاده

در مقاله ارائه شده از سوی خانم صدر که به بررسی لایحه قانون مجازات اسلامی اشاره شده توجه به دیدگاه‌های فمینیستی در زمینه مجازات و کم‌توجهی به فلسفه مجازات اسلامی مشهود است. علاوه بر این که در نقدهای مطروحه بر لایحه مجازات اسلامی، اشاراتی وجود دارد که به شرح ذیل می‌آید:

۱. درباره این‌که «از موارد ویژگی‌ها و نقدهای بر این لایحه فقهی‌تر شدن می‌باشد مانند اضافه کردن عناوین مجرمانه ارتداد، بدعت، سب‌النبی» هر چند در قانون قبلی این عناوین مجرمانه شرعی مشخصاً ذکر نشده است، اما در جبران این نقیصه‌ای قضات دادگاه‌ها به فتاوای معتبر فقهی مراجعه و حکم لازم را صادر می‌نمودند و باید یکی از مزایای مهم لایحه جدید را لحاظ کردن این عناوین دانست که منجر به سهولت کار قضات و رفع خلأ قانونی در این زمینه می‌شود و از سوی دیگر مایه برجسته شدن مجازات این‌گونه جرائم خاص

بازتاب اندیشه ۹۹

۵۱  
تاملاتی  
بر پیامدهای  
یک لایحه

می‌شود که کیان شریعت را مورد حمله قرار می‌دهد دانست.

۲. در خصوص سیاست زندان‌زدایی و انتقاد نویسنده مبنی بر این که «مجازات زندان انسانی‌تر از مجازات‌های بدنی است» باید گفت که مجازات زندان علاوه بر این که هزینه‌ای گزاف بر بیت‌المال و جامعه تحمیل می‌کند، موجب از هم پاشیدگی خانواده‌ها و بازایستادن بخشی از جامعه از حرکت و تولید نیز می‌باشد افزون بر این که حتی در برخی موارد نه تنها موجب بازپروری و انابه مجرم از جرم ارتكابی نخواهد بود، بلکه حرفه‌ای شدن مجرمان عادی و حتی بروز معضلات حاد اخلاقی و جسمانی را برای محبوسین در پی دارد. لذا در مجموع اگر همه‌جانبه نگریسته شود، حبس در مقایسه با بسیاری از تنبیهات جسمانی برای زندانی بسیار شدیدتر و آزاردهنده‌تر خواهد بود.

۳. این بیان که «اگر چه زندان‌ها از زندانیان دیه و مهریه و چک و غیره خالی خواهد شد، اما موجبات تضییع حقوق جماعت عظیمی از طلبکاران و مال‌باختگان را فراهم می‌کند» درست نیست زیرا معمولاً افرادی در امور مالی به زندان می‌افتند که توانایی و مکتت لازم برای پرداخت آن مال را ندارند. لذا زندانی شدن چنین افراد معسری هیچ‌گاه نمی‌تواند دردی را از این اقشار دوا نموده یا موجب احقاق حقوق از دست رفته طلبکاران آنان شود، بلکه شاید در پرتو آزادی و گرفتن تضمین لازم فرد مدیون بتواند به مرور زمان با کار و تلاش خود از زیر بار دین و حق اشخاص طلبکار خارج شود که این سیاست و تدبیر هم شرعی است و هم معقول که در پرتو آن از بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و تحمیل هزینه‌های گزاف بر جامعه جلوگیری شود.

۴. این گفته که «در صورت توبه مجرم مجازات از بین رفته یا تخفیف داده می‌شود و این امر راه بزرگی برای فرار از مجازات باز می‌کند» نمی‌تواند موجه باشد؛ زیرا اصلاح مجرم و بازگرداندن او به جامعه یکی از اهداف مهم هر نظام و سیستم قضایی است، به ویژه نظام جزایی اسلام است. لذا جایگاه والایی به این امر که سلامت جامعه را تضمین می‌نماید داده شده است؛ توبه در واقع تفضلی است که خداوند به بندگان خویش نموده تا از فرصت‌های موجود استفاده کنند و به اصلاح خود بپردازند و گذشته را جبران نمایند. بی‌تردید با تحقق توبه ضمن آن‌که مجرم اصلاح می‌شود و این خود قدمی در راه اصلاح جامعه محسوب می‌گردد، آبروی شخص و خانواده او نیز حفظ شده و گناه در جامعه اشاعه نمی‌یابد و قبح گناه از بین نمی‌رود. افزون بر این که بار مالی اجرای مجازات نیز بر جامعه تحمیل نمی‌شود. بنابراین توبه ضمن آن‌که موجب رفع عقاب اخروی است، مجازات دنیوی را نیز



ساقط می‌کند.<sup>۱</sup> از همین روی بسیار سطحی‌انگارانه است که توبه مجرم با تحقق شرایط لازم آن را به معنای تجویز فرار مجرم از مجازات تلقی کرد.

۵. بیان این مسأله که در تدوین این لایحه به خواست عمومی بی‌اعتنایی شده به نظر می‌رسد که نوعی پیش‌داوری غیرمنصفانه و غیرواقعه‌بینانه از جایگاه مجازات‌های اسلامی نزد عموم مردم مسلمان ایران باشد، زیرا خواست عموم مردم مسلمان ایران اجرای کامل و صحیح قوانین و ضوابط شرعی در جامعه است که یکی از آنها مجازات رجم برای جرم زنای محصنه است و حکمت و وضعی چنین مجازاتی این می‌تواند باشد که زمانی که این عمل شنیع با شرایط خاص ملحوظ نظر شارع هم در ارتکاب و هم در اثبات واقع شود، از آنجایی که به شدت و به طور مستقیم کیان خانواده‌ها را مورد حمله و نسل بشر را در معرض خطر قرار داده است؛ لذا چنین شدتی هم در نوع مجازات باید در نظر گرفته شود تا هیچ انسان خلافکاری تصور نزدیکی به آن را به خیال خام خود نپروراند.

۶. این تحلیل که «اگر در تجاوز به عنف مجازات خفیف‌تری اختیار می‌شد شاید زنان کمتر در برابر تجاوز بی‌دفاع می‌ماندند» به این دلیل پذیرفتنی نیست زیرا از مهم‌ترین فلسفه‌های وضع برخی مجازات‌های شدید در شرع اسلام مقابله جدی با ارتکاب آن جرم می‌باشد و البته این جدیت و شدت در سخت‌گیری کردن در طریق اثبات جرم به تعادل و توازن رسیده و این خود از دقیق‌ترین و ظریف‌ترین شیوه‌های کنترل جرم در بحث‌های تخصصی علوم جنایی در عصر حاضر است. اما بر نظریه خانم صدر که تخفیف در مجازات و سهولت در راه اثبات چنین جرائمی شنیعی را به دنبال دارد؛ دو ایراد اساسی وارد است: اولاً این که تخفیف در شدت مجازات قطعاً موجب کاسته شدن قبح جرم در نزد مجرمین خواهد شد و بر تجرى آنها به ارتکاب آن می‌افزاید و ثانیاً اگر بخواهیم در پس هر ادعایی ولو بدون دلایل کافی متهمی را بزه‌کار تلقی نماییم، این امر منجر به این خواهد شد که خواه ناخواه افراد بی‌گناهی بر اثر توطئه و تبنانی زن و شوهر یا خانواده‌ای مجازات شوند که این امر باعث بروز فاجعه و نقض عدالت قضایی در جامعه خواهد شد.

سخن آخر این که حدود الهی، قصاص و دیات (احکام باب جنایات) و بسیاری از قوانین تعزیراتی به عنوان احکام الهی مستقیماً از سوی شارع مقدس اسلام در قرآن کریم و سایر متون دینی بیان شده است. البته در خصوص جرایم تعزیراتی نوع و میزان مجازات را حاکم اسلامی به تناسب وضعیت مجرم و جرم ارتکابی و سایر مقتضیات تعیین

بازتاب اندیشه ۱۱

تأملاتی  
بر پیامدهای  
یک لایحه

۱. دکتر جلال‌الدین قیاسی، حمید دهقان و دکتر قدرت‌الله خسروشاهی، حقوق جزای عمومی، ناشر:

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ قم-زیتون، ص ۳۴۳

می‌کند.<sup>۱</sup> لذا حدود الاهی، قصاص و دیات از ثابتات مجازات‌های اسلامی می‌باشند که تا روز قیامت غیر قابل تغییر می‌باشند. پس هر چند ممکن است فشارهایی از خارج یا برخی گروه‌های به ظاهر روشن فکر داخلی بر اجرای آنها اعمال شود؛ ولی به جهت این که حکومت دینی موظف به اجرای حدود شرعی است اخلال، تغییر یا توقف چنین اموری شدنی نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی